



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Ta'zir Punishment in in Non-Intentional Crimes with an Emphasis on Medical Crimes in the Light of Expediency and Public Interest

Mansour Shahsavari¹, Behrooz Golpayegani^{2*}, Amir Mohammad Sedighian³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

2. Department of Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Numerous researches on ta'zir punishments have been conducted so far, but the issue of ta'zir in addition to diyat has been largely neglected. In the present article, made to address the importance of the punishment of ta'zir in addition to diyat, especially in medical crimes, and what is the basis of such punishments, an attempt has been.

Method: The mentioned article is descriptive-analytical and the mentioned subject using the library method has been studied.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present study, the originality of the text and fidelity have been observed.

Results: The findings indicate that according to the rule of al-Ta'zir, the Islamic ruler ta'zir punishments for forbidden matters can impose. In this regard, in some cases, some medical crimes, the legislature has imposed a penalty in addition to the ransom includes.

Conclusion: The results of the study indicate that the punishment of ta'zir in addition to diyat in crimes, especially medical crimes, on the interests of society and public order is based. Public interest and order require that legislation in some intentional and unintentional crimes that have a public aspect or are related to the public interest, in addition to the ransom, the punishment of ta'zir such as imprisonment be determined.

Keywords: Ta'zir; Diyat; Unintentional Crimes; Ta'zir Rule for all Forbidden Acts; Public Interest

Corresponding Author: Zeinab Esmati; **Email:** Dr_golpa@yahoo.com

Received: February 16, 2022; **Accepted:** April 25, 2022; **Published Online:** January 15, 2023

Please cite this article as:

Shahsavari M, Golpayegani B, Sedighian AM. Ta'zir Punishment in in Non-Intentional Crimes with an Emphasis on Medical Crimes in the Light of Expediency and Public Interest. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e57.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی با تأکید بر جرائم پزشکی در پرتو مصلحت و منفعت عمومی

منصور شهسوار^۱، بهروز گلپایگانی^{۲*}، امیرمحمد صدیقان^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تاکنون تحقیق‌های متعددی در زمینه جرائم غیر عمدی و جرائم پزشکی انجام شده است، اما بحث مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی به ویژه در زمینه جرائم پزشکی تا حد زیادی مورد غفلت واقع شده است. در مقاله حاضر تلاش شده به این مهم پرداخته شود که مجازات تعزیری در جرائم غیر عمد، از جمله در جرائم پزشکی چه جایگاهی داشته و مبنای این نوع مجازات‌ها چیست.

روش: مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متن و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بیانگر این امر است که بر اساس قاعده «الْتَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» حاکم اسلامی می‌تواند برای امور حرام مجازات‌های تعزیری مانند حبس وضع نماید. در همین راستا قانونگذار در برخی موارد، از جمله برخی جرائم پزشکی علاوه بر دیه مجازات تعزیری تعیین کرده است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیانگر این امر است که مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی به ویژه در جرائم پزشکی، بر مبنای مصلحت جامعه و نظم عمومی مبتنی است. مصلحت و نظم عمومی ایجاب می‌کند قانونگذاری در برخی جرائم غیر عمدی، از جمله جرائم غیر عمد پزشکی چون جنبه عمومی داشته و یا با منافع عمومی در ارتباط است، علاوه بر دیه، مجازات تعزیری مانند حبس تعیین شود.

واژگان کلیدی: تعزیر؛ دیه؛ جرائم غیر عمد؛ قاعده التعزیر لکل عمل حرام؛ مصلحت عمومی

نویسنده مسئول: بهروز گلپایگانی؛ پست الکترونیک: Dr_golpa@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Shahsavari M, Golpayegani B, Sedighian AH. Ta'zir Punishment in in Non-Intentional Crimes with an Emphasis on Medical Crimes in the Light of Expediency and Public Interest. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e57.

مقدمه

امروزه سهم قابل توجهی از آمار جنایی جوامع را جرائم تشکیل می‌دهند که نه از روی عمد، بلکه در نتیجه «عدم به کارگیری فکر و اندیشه» ارتکاب می‌یابند و عملاً نظم عمومی را به هم زده‌اند. یافته‌های جرم‌شناسی امروزی حاکی از آن است که علاوه بر جرائم عمدی، جرائم همراه با کوتاهی در به کارگیری فکر و اندیشه «علی‌رغم قابلیت پیش‌بینی نتیجه» نیز، می‌توانند به دیگران آسیب و صدمه وارد نموده و نظم عمومی جامعه را مختل سازند. آنچه در خصوص جرائم غیر عمدی همواره محل بحث بوده، درهم‌آمیختگی ضمانت اجراهای مدنی و کیفری است (۱)، به گونه‌ای که تفکیک دامنه آن‌ها در مقایسه با جرائم عمدی لزوم برخورد حقوقی و بر مبنای جبران خسارت را در جرائم غیر عمدی تقویت می‌کند. تبیین مرز حقوقی و کیفری ضمانت‌اجراها، از جمله مباحثی است که همواره مورد نظر حقوقدانان بوده است. در جرائم غیر عمدی، به جهت فقدان قصد مجرمانه، مسئولیت شخص اصولاً باید دایرمدار جبران خسارت باشد (۲)، اما در برخی جرائم، علاوه بر دیه به عنوان خسارت، مجازات حبس نیز در نظر گرفته شده است (۳). به عبارتی، در برخی موارد علاوه بر دیه مجازات تعزیری مانند حبس و جزای نقدی نیز تعیین شده است (۴). به عنوان مثال مطابق ماده ۶۱۶ قانون مورد اشاره، چنانچه در نتیجه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا عدم مهارت فرد مرتکب، قتل غیر عمد رخ دهد، مجازات مسبب، حبس از یک تا سه سال و همچنین پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیای دم مقتول است. همچنین بر اساس ماده ۶۲۴ قانون مجازات ۱۳۷۵: «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.» واقعیت امر این است که حکومت‌ها، در راستای تحقق و حفظ نظم عمومی، ناگزیر هستند که قواعدی را به منظور تنظیم روابط شهروندان وضع

نمایند. هیچ قاعده‌ای از حقوق نباید «بدون ضمانت اجرا» باشد و کیفر، باید پیامد حتمی نقض آن باشد. اسلام مقرر فرموده است که حتی اگر کسی مؤمنی را از روی خطا به قتل برساند، علاوه بر دیه او که باید به خانواده‌اش پرداخت شود، لازم است کفاره گناهی را که مرتکب شده است نیز پرداخت کند. در آیه ۲۹ سوره نساء آمده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ مَوْثِقَةٍ وَ دِيَهٍ مُسْلِمَةٍ إِلَى أَهْلِهِ؛...» در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید (به کفاره آن) بنده مؤمنی را آزاد کند و خون‌بهای آن را به صاحبش تسلیم نماید.» نوآوری مقاله حاضر بررسی مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی به خصوص در جرائم پزشکی است. سؤال اساسی این است که چه خصوصیاتی در برخی جرائم، از جمله جرائم رانندگی و جرائم غیر عمدی از سوی پزشکان وجود دارد که علاوه بر دیه، دارای مجازات تعزیری مانند حبس و جزای نقدی نیز می‌باشد؟ به منظور بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره ابتدا، مبانی فقهی تعزیر مازاد بر دیه در جرائم پزشکی بررسی شده، سپس مصلحت عمومی و نظم عمومی تحلیل شده، در ادامه از مجازات تعزیر مازاد بر دیه در جرائم پزشکی بحث شده است.

روش

مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌ها بیانگر این امر است که بر اساس قاعده «الْتَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» حاکم اسلامی می‌تواند برای امور حرام مجازات‌های تعزیری وضع نماید. در همین راستا قانونگذار در برخی موارد، از جمله برخی جرائم پزشکی علاوه بر دیه مجازات تعزیری تعیین کرده است.

بحث

۱. مبانی مجازات تعزیری جرائم غیر عمدی: در این مبحث به بررسی مبانی فقهی مجازات تعزیری جرائم غیر عمدی

نکته تأکید می‌گردد که این بحث مخالفی ندارد و همگی فقها در تفویض امر به حاکم یا سلطان متفق‌القول هستند (۱۷) و اگر کسی هم تعبیر به قاضی کرده است، به آن دلیل است که قضاوت را از شؤون حکومت می‌دانسته است.

۱-۲. **مصلحت عمومی:** مصلحت در فقه اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. این سابقه را حتی در میان متکلمان و عقل‌گرایان اسلامی نیز می‌توان مشاهده کرد. به اعتقاد معتزله، حسن و قبح افعال اموری ذاتی و غیر قابل عدولند، به نحوی که حتی خداوند نیز از آن‌ها تخطی نمی‌کند (۱۸). در فقه اسلامی، مصلحت مبنای وضع احکام است (۱۹). در مصلحت توجه به دو عنصر زمان و مکان ضروری است (۲۰). در نظام جزایی اسلام جرم آن چیزی است که در برابر و در تضاد «مصلح معتبر» قرار می‌گیرد. حیات استان در بعد مادی و معنوی آن جز در سایه حفظ و نگهداری از این مصلح امکان‌پذیر نیست و همه قوانین متنوع اسلامی برای حمایت از این مصلحت‌ها قانونگذاری شده است (۲۱).

تعزیر در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین تعریف شده: «تعزیر تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع معین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» تعزیر، مجازاتی است که اصولاً مقدار و نوع آن توسط مقنن اسلام بیان نشده است. به عبارت دیگر مجازاتی است که به عقیده حاکم، واگذار شده است. آن وصفی که به عنوان علت مجازات تعزیری قرار داده شده است، عبارت است از: «اضرار به مصلحت و نظم عمومی.» پس هرگاه این وصف در فعل یا حالتی وجود داشت، مجرم مستحق مجازات خواهد بود، در غیر این صورت مجازاتی وجود ندارد. بنابراین شرط در تعزیر به خاطر مصلحت عام و انتساب یکی از این دو امر به مجرم می‌باشد: اول اینکه مجرم مرتکب فعلی شده است که ارتباط آن با مصلحت و نظم عمومی است؛ دوم اینکه مجرم دارای حالتی است که به زیان مصلحت و نظم عمومی است. فقها، برای مشروعیت تعزیر، به خاطر مصلحت عامه چنین استدلال می‌کنند که رسول خدا (ص) شخصی را که بر سرقت

پرداخته می‌شود؛ اینکه مبنای مجازات تعزیری جرائم غیر عمدی چیست؟ به عبارتی در مواردی چون جرائم پزشکی از منظر فقهی چیست و چرا در برخی جرائم پزشکی علاوه بر دیه، مجازات تعزیری نیز تعیین شده است؟ مصلحت عمومی، منفعت عمومی و قاعده تعزیر در این قسمت به عنوان مبنای مجازات تعزیری جرائم غیر عمدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. **قاعده تعزیر:** برای تبیین این مهم لازم است به قاعده «الْتَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» اشاره شود. بر اساس قاعده مذکور حاکم اسلامی می‌تواند برای مواردی که عمل حرام تشخیص می‌دهد مجازات تعیین کند. عباراتی از قبیل «این در اختیار امام است» (۵)، «به مقداری که حاکم صلاح بداند» (۶)، «به قدری که سلطان صلاح ببیند» (۷)، «به قدری که ولی امر صلاح ببیند» (۸)، «موکول به امام است» (۹)، «با امام است» (۱۰)، «به قدری که امام صلاح بداند» (۱۱)، «تعزیر او در اختیار امام است» (۱۲) و سایر عباراتی که با همین مضمون در ادبیات فقهی قابل مشاهده است، همگی دال بر تفویض امر به حاکم می‌باشد. در بیانات فقها نیز این امر قابل مشاهده است که اجرای تعزیر در اختیار حاکم یا سلطان است، مثلاً شیخ مفید (ره) می‌گوید «هر کسی نسبت ناروایی از اعمال زشت به جز زنا و لواط را به مسلمانان بدهد... در این صورت حد قذف زنا و لواط را ندارد، اما موجب تعزیر و تأدیب می‌شود، آن هم مطابق رأی حاکم» (۷)، یا ابن زهره (ره) تعزیر را بر حسب آنچه ولی امر یا اولی الامر صلاح بداند، جاری می‌داند (۸). شیخ طوسی (ره) با عبارت «تعزیر موکول به نظر امام» (۹)، درباره تعزیر اظهار نظر می‌کند و در جای دیگری می‌نویسد: «تعزیر برای امام است و در این امر هیچ اختلافی وجود ندارد» (۱۰). ابوالصلاح حلبی (ره) اجرای تعزیر را وظیفه حاکم شرع می‌داند (۱۳) و ابن ادریس (ره) این امر را از وظایف سلطان یا نائب او می‌شمرد (۱۴). همین نظر را محقق حلی (ره) (۱۲)، یحیی بن سعید حلی (ه) (۱۱)، صاحب جواهر (ره) (۱۵)، علامه حلی (ره) (۱۶)، شیخ حر عاملی (ره) (۶) و سایر فقها در موکول بودن تعزیر به امام یا سلطان و نه قاضی، ابراز داشته‌اند که از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود و این

شتری متهم بود زندانی کرد، چون بعداً ثابت شد که آن شخص سارق نبوده، وی را آزاد نمود و کیفیت استدلال چنین است که زندان، مجازات تعزیری است و مجازات واقع نمی‌شود مگر بعد از اثبات جرم.

پیامبر (ص) آن فرد را به صرف اتهام، زندانی نمود یا به سبب موقعیت‌هایی که او را در مظان اتهام قرار داده بود، زندانی‌شدن او را مباح دانسته است، پس اساس این مجازات‌ها همان حمایت از «مصلحت عامه و حفظ نظام عمومی است» (۲۲). به نظر حقوقدانان و تعزیرات، عامل مهم درت امین عداوت قضایی است (۲۳)، زیرا بر حسب شرایط و با توجه به مقتضیات زمان و مکان وضع می‌شود. مهم‌ترین ویژگی تعزیرات این است که نوعی مجازات نامعین است که بر حسب شرایط زمان و مکان و شخصیت مجرم و وضعیت وی تعیین می‌شود (۲۴).

ویژگی‌های کلی که می‌توان برای مجازات‌های تعزیری برشمرد به شرح ذیل است: ۱- عمل ارتكابی مستوجب تعزیر، چون مصلحتی از جامعه را مورد خطر قرار داده است، لذا می‌توان مجازاتی از همان نوع خطری که ایجاد نموده برایش معین نمود، مثلاً در صورتی که قسمتی از جنگل به وسیله مجرم سوزانده شود، می‌توان او را مکلف نمود روزها در محل ارتكاب جرم حاضر و محل را تسطیح نموده و هر روز به کاشت نهال اقدام نماید و یا مجازات متناسبی در نظر گرفته شود؛ ۲- اصل در تعزیر، حفظ مصالح اجتماعی و فردی است، ولی این مسأله باید با توجه به عمل ارتكابی و جرم باشد و شخصیت مجرم، علل و انگیزه عمل مجرمانه مورد بررسی قرار گیرد؛ ۳- چون تشخیص مصلحت عامه و شخصیت مجرم و اجرای مجازات متناسب کار فراوان و دانش بسیار است. بنابراین قاضی کیفری نمی‌تواند از نظریه مشاوره بی‌بهره باشد اینکه چه مجازاتی تأمین‌کننده صلاح فرد و جامعه است و چگونگی آن و اجرای مجازات باید پس از مشورت با کارشناسان و مشاوران باشد، لذا قاضی از پیش خود نمی‌تواند عملی را به مصلحت تشخیص داده و آن را اعمال کند در این حال واجب است که تصمیم قاضی دارای ریشه‌های عقلانی و کاربرد عملی باشد، زیرا زندگی و حیات اجتماعی و فردی جز با به کار بستن عقول خبره و اهل فن انتظام نمی‌یابد.

۳-۱. **منفعت عمومی:** در کنار مصلحت، منفعت عمومی نیز از مؤلفه‌های مهم در قانونگذاری است. حکومت‌ها برای حفظ نظم عمومی و آرامش اجتماعی ناچار به وضع قواعدی هستند تا روابط شهروندان به گونه‌ای تنظیم شود که هر کس، بدون ایجاد تهدید برای امتیازهای دیگران، از امتیازهای خویش بهره گیرد. در حقوق اسلام نیز، «امنیت»، عامل مهمی است که شرط یک اجتماع سالم محسوب می‌شود (۲۵). آرامش و منفعت عمومی، بستر شکل‌گیری جوامع انسانی و در حقوق اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانونگذاران، به عنوان نمایندگان اعضای جامعه، به منظور استقرار نظم، صلح و امنیت، ملزم به برخورد با ناقضین قانون و ارزش‌های اجتماعی هستند.

۲. مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی

۲-۱. **در قتل غیر عمدی:** در برخی جرائم، قانونگذار علاوه بر مجازات دیه، مجازات حبس را نیز به عنوان تعزیر تعیین کرده است. تا چند سال پس از تصویب قانون تعزیرات ۱۳۶۲، قتل‌های ناشی از تخلف‌های رانندگی را به عنوان خطای محض قلمداد می‌شد، ولی از آنجا که نوع این جرائم همواره محل بحث و نظر بود، از محضر امام خمینی (ره) استفتا گردید که ایشان در پاسخ به این پرسش که: «اگر به خاطر عدم مراعات قوانین راهنمایی و رانندگی قتلی پیش آید که در صورت رعایت قوانین چه بسا چنین پیشامدی نمی‌شد، آیا این قتل بازهم خطایی است یا شبه‌عمد؟» فرمودند: «با فرض اینکه تخلف تفریط به قتل است، حکم شبه‌عمد را دارد.» به دنبال فتوای امام خمینی (ره) هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۲ مورخ ۱۳۶۵/۸/۲۰ چنین اشعار داشت: «قتل غیر عمدی در اثر بی‌احتیاطی رانندگی وسیله موتوری نقلیه بدون داشتن پروانه رانندگی ... از آن جهت که نوعاً تفریط به نفس است در حکم شبه‌عمد بوده و از لحاظ پرداخت دیه مشمول بند «ب» ماده ۸ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱/۴/۲۰ می‌باشد...»، بدین ترتیب محاکم بلافاصله پس از استفتا از محضر امام (ره) در مورد قتل‌های غیر عمد رانندگی موضوع ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، بر اساس موازین مربوط به شبه‌عمد به

۲-۲. در جرائم جرحی غیر عمدی

۲-۲-۱. صدمه‌های بدنی موجب حبس تا شش ماه: ماده ۱۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ در این زمینه پیش‌بینی می‌کرد: «هرگاه راننده یا متصدی وسیله موتوری به واسطه بی‌احتیاطی و یا عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب صدمه بدنی شود که مدت معالجه آن کمتر از دو ماه یا دو سال به طول انجامد و یا موجب سلب قدرت کار از مصدوم در مدت دو ماه یا کمتر از آن گردد، به حبس از دو ماه یا شش ماه و نیز در صورت مطالبه دیه از ناحیه مصدوم به تأدیه دیه محکوم و در صورت گذشت مصدوم تعقیب مجرم یا اجرای حکم موقوف می‌گردد.» در این ماده برخلاف ماده سه قانون تشدید ۱۳۲۸، خطای عدم رعایت نظامات دولتی در کنار سایر مصادیق تقصیر ذکر گردیده است و علاوه بر حذف جزای نقدی، بدون آنکه در میزان حبس مقرر نسبت به ماده سه قانون سابق تغییری ایجاد شده باشد، پرداخت دیه در صورت مطالبه مصدوم نیز پیش‌بینی شده است و در پایان به شاکی خصوصی اجازه داده شده در صورت تمایل گذشت نماید که حسب مورد منجر به توقف تعقیب مجرم یا اجرای حکم می‌شود.

۲-۲-۲. صدمه‌های بدنی موجب حبس تا یک سال: ماده ۱۵۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ چنین اشعار می‌داشت: «هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری به واسطه بی‌احتیاطی یا عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت موجب صدمه بدنی شود که معالجه آن بیش از دو ماه به طول انجامد و یا موجب سلب قدرت از کار از مصدوم زائد بر دو ماه شود و یا باعث ضعف دائم یکی از حواس ظاهر یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیفتد و یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود، مرتکب به حبس از سه ماه الی یک سال و نیز در صورت مطالبه دیه از طرف مصدوم به پرداخت دیه محکوم و با گذشت مصدوم تعقیب مجرم یا اجرای حکم موقوف می‌گردد.» در این ماده میزان حداکثر مجازات حبس مقرر، نسبت به قانون تشدید ۱۳۲۸ یک سال کاهش یافته و همچنان پرداخت

صدور رأی مبادرت ورزیدند، اما متن ماده ۱۴۹ بدین شرح است: «هرگاه قتلی غیر عمدی به واسطه بی‌احتیاطی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایل نقلیه زمینی یا آبی) و یا متصدی وسیله موتوری یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود، مرتکب از سه ماه تا دو سال حبس و نیز به تأدیه دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تعیین حبس سه ماه تا دو سال در ماده ۱۴۹ تا جایی که به تعیین مجازات‌ها مربوط است، نشان‌دهنده انعطاف قانونگذار نسبت به رانندگان متخلف است. از طرفی، با توجه به شبه‌عمد بودن نوع جرم، تعیین دیه در کنار مجازات حبس طبیعی بود. در ادامه تحولاتی قانونی، قانونی با عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» در دوم خرداد ۱۳۷۵ از سوی قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید. فصل بیست و نهم این قانون (که کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نام گرفت) به جرائم ناشی از تخلف‌های رانندگی اختصاص یافته که در حقیقت اصلاحی از مقررات این جرائم در قانون سابق تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ است. در ماده ۷۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که جانشین ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ شد، بی‌مبالاتی به عنوان مصداق تقصیر در قتل غیر عمد رانندگی، قلمداد شد. علاوه بر وسایل نقلیه زمینی، وسایل نقلیه هوایی نیز در شمول ماده مورد اشاره قرار گرفت. همچنین کیفر حبس مقرر در ماده ۱۴۹ (سه ماه تا دو سال) به شش ماه تا سه سال افزایش یافت. نهایتاً در ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی جدید تصویب شد که از لحاظ مجازات برای اشخاص حقیقی به چهار قسم تقسیم می‌شود که شامل: ۱- حد؛ ۲- قصاص؛ ۳- دیات؛ ۴- تعزیرات می‌شود و مجازات‌های بازدارنده از آن حذف شده است. جرائم ناشی از تخلفات رانندگی، از جرائم تعزیری در این قانون محسوب می‌شوند. تنها تغییری که در ماده ۷۱۴ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دیده می‌شود، از لحاظ کیفر است که مجازات تعزیری درجه شش محسوب می‌شود.

دیه در صورت مطالبه مصدوم و نیز گذشت مصدوم در کنار کیفر حبس پیش‌بینی شده است.

۲-۳. صدمه‌های بدنی موجب حبس تا دو سال: این مورد در ماده ۱۵۲ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ پیش‌بینی شده بود: «هرگاه صدمه بدنی غیر عمدی که به جهات مندرج در ماده قبل واقع شود، موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا باعث از بین رفتن یکی از حواس ظاهر و یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد و یا از بین رفتن قوه تناسلی یا نقصان دائم در نطق یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود، مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال و نیز در صورت مطالبه دیه از ناحیه مصدوم به پرداخت دیه محکوم می‌شود.»

در این ماده نیز علاوه بر حذف جزای نقدی، حداکثر میزان مجازات حبس به دو سال کاهش یافته و همچنان در صورت مطالبه مصدوم، پرداخت دیه نیز تعیین شده است، ولی برخلاف دو ماده قبل، از گذشت مصدوم سخنی به میان نیامده است که به نظر می‌رسد مقنن در این مورد نظر به غیر قابل گذشت انگاشتن این جرم داشته است.

مواد ۷۱۵ تا ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ترتیب مقررات گذشته صدمه‌های غیر عمدی رانندگی، در قانون تشدید ۱۳۲۸ و قانون تعزیرات ۱۳۶۲ را برهم زده‌اند. شاید تدبیر قانونگذار آن بوده که این بار مواد مزبور را برحسب اهمیت و حساسیت مفاد و مضمون آن‌ها ترتیب‌بندی نماید.

۱- ماده ۷۱۵: این ماده جانشین ماده ۱۵۲ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ شده و تغییرات زیر در آن رخ داده است:

- عبارت «جهات مندرج در ماده قبل» به «یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴» تغییر یافته که بنابراین «بی‌مبالاتی» را نیز دربر می‌گیرد.

- عبارت‌های «ظاهر یا نقصان» و یا «از بین رفتن قوه تناسلی» یا «نقص دائمی در نطق» مندرج در ماده ۱۵۲ سابق، از ماده ۷۱۵ جدید حذف شده‌اند که توجیهی جزء مسامحه قانونگذار

را برای آن نمی‌توان یافت، گرچه به سود متهم نیز تمام شده است.

- کیفر حبس ماده ۱۵۲ سابق (شش ماه تا دو سال حبس) در ماده ۷۱۵ به دو ماه تا یک سال کاهش یافته است. این تغییر شاید تنها از جهت پذیرفتنی باشد که اشکال ماده ۱۵۲ سابق را که کیفری سنگین‌تر از قتل غیر عمدی موضوع ماده ۱۴۹ پیش‌بینی نموده بود، برطرف ساخته است.

۲- ماده ۷۱۶: چارچوب کلی این ماده، همان ماده ۱۵۱ سابق تعزیرات ۱۳۶۲ است که تغییرات زیر در آن لحاظ گردیده:

- ضمن تغییر عبارت صدر ماده از «هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری به واسطه بی‌احتیاطی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت» به «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴» مدت درمان و معالجه صدمه‌های جسمانی مندرج در ماده حذف شده است.

- کیفر ماده ۱۵۱ سابق (که از سه ماه تا یک سال حبس بود) به دو ماه تا شش ماه در ماده جدید کاهش یافته است.

- گذشت شاکی (مصدوم) از ماده اخیر حذف شده است. برخلاف کاهش میزان کیفر حبس‌های جرائم رانندگی در مقررات جدید که به نظر، نرمش بیشتر قانونگذار به مرتکب را متبادر به ذهن می‌سازد، با حذف گذشت شاکی در واقع نسبت به مرتکب، نوعی شدت عمل و سختگیری نشان داده است.

- ماده ۷۱۷: گرچه چنین به نظر می‌رسد که ماده ۷۱۷ باید صورتی جدید از ماده ۱۵۰ سابق تعزیرات باشد، ولی مقنن به حذف مدت درمان و معالجه و همچنین حذف گذشت شاکی در این ماده اکتفا نکرده و با تلخیص فراوان از ماده ۱۵۰ سابق، صدمه‌های بدنی غیر عمدی ناشی از رانندگی را نیز در ماده جدید به نحو گسترده‌ای مورد توجه قرار داده است. نکته دیگری که از تغییرات ماده ۷۱۷ به نظر می‌رسد، کاهش دوباره کیفر حبس موضوع ۱۵۰ سابق دو ماه تا شش ماه به یک ماه تا پنج ماه می‌باشد. از آنجایی که این تغییرات جالب می‌نماید، متن ماده ۷۱۷ ارائه می‌شود: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴ موجب صدمه بدنی شود، مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود.»

تنها تغییرات مواد ۷۱۵، ۷۱۶ و ۷۱۷ در قانون مصوب ۱۳۹۲ از لحاظ مجازات است که بر طبق ماده ۱۹ قانون جدید، مشمول مجازات تعزیری درجه هشت می‌شوند.

قانونگذار علاوه بر ماده ۷۲۳ ق.م.ا. در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ همان قانون برای راننده بدون گواهینامه مجازات‌هایی تعیین کرده است^۱، البته این مواد ناظر بر جایی است که راننده بدون گواهینامه خسارت بدنی به شخص دیگری وارد آورده است. منظور از خسارت‌های بدنی هر نوع بزه منجر به دیه یا ارش، شکستگی، نقص عضو، از کارافتادگی (جزئی یا کلی، موقت یا دائم) یا فوت شخص ثالث است (تبصره ۳ ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، مصوب ۱۳۸۷ ش.)، البته در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، تمهیداتی در این رابطه تبیین شده است، به این ترتیب که قاضی مجاز شده است در همه جرائم تعزیری (چه عمدی و چه غیر عمدی) چنانچه مجازات اعمال شده تا درجه ششم تعیین شده باشد (حبس بیش از ۶ ماه تا دو سال و جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال) مجازات تکمیلی (متناسب با جرم و خصوصیات مرتکب) نیز برای وی تعیین کند.

در مواد قانونی مذکور چون در ضمن ارتکاب جرم، خسارت‌های بدنی نیز وارد شده است، قانونگذار جرم رانندگی بدون گواهینامه را جرم مستقل محسوب نکرده است و آن را از عوامل تشدید کیفر به حساب آورده است^۲؛ برخی حقوقدانان معتقدند در صورت عدم رابطه مستقیم میان داشتن گواهینامه رانندگی و وقوع حادثه تشدید کیفرهای موضوع این مواد قانون مجازات، قابل مطالبه نخواهد بود، یعنی باید رابطه میان نداشتن گواهینامه و خسارت وارده وجود داشته باشد تا بتوانیم مجازات مذکور در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ را اعمال کنیم (۲۶). به عقیده آن‌ها این جرائم جزء جرائم شبه‌عمد هستند که در این حالت، مرتکب به طور مطلق قصد ارتکاب جرمی را ندارد، ولی عمل ارتكابی فاعل به گونه‌ای است که می‌توان گفت نتیجه مجرمانه را به رغم آنکه نخواست به پیش‌بینی کرده است، پس نداشتن گواهینامه و یا عیب مکانیکی خودرو و... در حکم عمد

احتمالی مرتکب هستند، بدین جهت برای اثبات این عمد احتمالی، وجود رابطه علیت لازم است (۲۶). در صورت عدم وجود رابطه سببیت، حسب مورد مجازات‌های جداگانه‌ای اعمال می‌شود. در مقابل، برخی دیگر برخلاف این مطلب معتقدند احراز رابطه علیت فقط درباره عیب و نقص مکانیکی لازم است و در موارد دیگر، صرف تقصیر مرتکب - یعنی نداشتن پروانه یا مست‌بودن و... برای تشدید کیفر کافی است. آنان معتقدند موارد مزبور در ماده ۷۱۸ ق.م.ا. اعمال خطایی هستند که «عمد احتمالی یا سوءنیت احتمالی» نیز نامیده شده‌اند، بدین معنا که مرتکب با حصول این موارد وقوع حادثه را پیش‌بینی می‌کنند و بر همین اساس، کشورهایی همچون لهستان آن را در حکم عمد می‌دانند، ولی کشورهایی همچون فرانسه آن را خطا به حساب آورده‌اند و قانونگذار ایران راه میانه‌ای انتخاب کرده است و فقط به تشدید مجازات پرداخته است (۲۷).

۳. مجازات تعزیری در جرائم غیر عمدی پزشکی: یکی از جرائم پزشکی که علاوه بر دیه شامل مجازات تعزیری نیز می‌شود، مجازات سقط جنین جنایی است. در اصطلاح پزشکی سقط جنین به «بیرون‌شدن حاصل باروری از رحم، در حالی که موجود تکوین‌یافته قادر به زندگی در خارج از رحم نباشد» تعریف شده است (۲۸). در اصطلاح حقوقی نیز «سقط جنین عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد» (۲۹). در سقط جنین، چنانچه، با تجویز داروی ساقط‌کننده جنین و یا استفاده از وسایل مخصوص از سوی پزشک یا ماما یا کسان دیگر بدون مجوز قانونی صورت گیرد، سقط جنین جنایی تلقی می‌شود (۳۰).

قانونگذار در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، اگرچه برای سقط جنین حتی پس از دمیده‌شدن روح در آن، قصاص را در نظر نگرفته، اما دیه و مجازات تعزیری را پیش‌بینی و مقرر کرده است: «جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری

محکوم می‌شود». همچنین در ماده ۵۵۶ این قانون، قانونگذار جنین دارای روح را در زمینه دیه مقرر در ماه‌های حرام، مانند انسان زاده شده و حتی بالغ فرض کرده و آورده است «سقط جنین پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است». مهم‌ترین حمایت‌های قانونگذار از جنین، مربوط به فصل هفتم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است که در آن به صورت جزئی و دقیق، دیه مقرر برای سقط جنین در هر مرحله از تکامل را مقرر کرده است. ماده ۷۱۶ این قانون، دیه سقط جنین را به این‌ترتیب پیش‌بینی کرده است: «نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دوسم دیه کامل؛ علقه که در آن جنین به صورت خون بسته درمی‌آید، چهارصدم دیه کامل؛ مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی درمی‌آید، شش‌صدم دیه کامل؛ عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده، اما هنوز گوشت روییده نشده است، هشت‌صدم دیه کامل؛ جنینی که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده، ولی روح در آن دمیده نشده است، یک‌دهم دیه کامل و دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است، اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبه باشد، سه‌چهارم دیه کامل».

همچنین ماده ۶۲۳ می‌گوید: «هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن شود، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری کند که جنین وی سقط شود، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر است و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد». قانونگذار در ماده ۶۲۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ همچنین مجازات حبس برای پزشکان یا سایر افرادی که به صورت غیر مجاز اقدام به سقط جنین می‌کنند، تعیین کرده که در آن آمده است «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به اسقاط جنین کنند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند

شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت».

ماده ۴۹۲ «قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵» به اینکه «دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه‌عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عهده عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد» و نیز اصل تفسیر نصوص جزایی به نفع متهم و لزوم رعایت احتیاط در حفظ دما «به نظر می‌رسد مطابق قوانین فعلی ایران سقط جنین در هیچ حالتی قتل محسوب نمی‌شود. بنابراین، حتی در صورت عمدی بودن، مجازات آن هیچ‌گاه نمی‌تواند قصاص باشد که این موضع با موضع سایر کشورها و نظام‌های حقوقی و نیز با مقررات پیش از انقلاب (مواد ۱۸۳-۱۸۰ قانون مجازات عمومی) مطابقت دارد» (۳۱).

بدیهی است به موجب ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ که می‌گوید: «اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن، طبق نظر پزشک متخصص، ثابت نباشد، دیه و ارش ندارد، لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد، بر حسب مورد، جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود». باید منشأ انسانی چیزی که از زن ساقط می‌شود، مسلم باشد (۳۲).

در جرائم غیر عمدی ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تنها ماده قانونی مربوط به قتل غیر عمد ناشی از تقصیر، از جمله فوت بیماران متعاقب معالجات پزشکی، می‌باشد که مجازات حبس تعزیری برای مرتکب پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده مزبور «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد، مگر اینکه خطای محض باشد».

با اندکی تأمل در ماده فوق مشخص می‌گردد که برای شمول مجازات حبس مندرج در آن، دو شرط مطرح شده است: ۱- حدوث قتل غیر عمد مگر اینکه خطای محض باشد؛ ۲- وجود بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن

مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات. موارد احصاشده در شرط دوم با عنایت به مندرجات تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا.ج، جدید، در حقیقت مصادیق خطای جزایی یا تقصیر می‌باشند. ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماهیت قتل‌های غیر عمدی ناشی از تقصیر را شبه‌عمد محسوب کرده و احکام و آثار جنایت شبه‌عمدی را بر آن‌ها بار کرده است.

در ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است، جنایت حاصل، به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطا محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیردادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.» در رابطه با تقصیر باید گفت: تقصیر، اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی. در اصطلاح حقوقی، خطا «مقابل عمد است و آن عبارت است از وصف عملی که فاعل آن دارای قوه تمیز بوده و به علت غفلت یا نسیان یا جهل یا اشتباه یا بی‌مبالاتی و عدم احتیاط عملی که مخالف موازین اخلاق (خطای اخلاقی یا قانون) است مرتکب شده است (۳۳). بنابراین خطای پزشکی، زمانی است که، پزشک آنچه را که طبق قوانین و مقررات پزشکی وظیفه او است نسبت به معاینه دقیق و تشخیص صحیح و به موقع و راهنمایی‌های لازم اقدام نکرده باشد. پزشک مکلف است کلیه اقدامات تشخیص اعم از گرفتن شرح حال، معاینات فیزیکی، استفاده از آزمایش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی و چنانچه نیاز به مشورت با همکاران خود باشد را در برخورد با بیمار انجام داده و در نهایت بعد از تشخیص صحیح، درمان را شروع نماید. اگر این وظایف انجام نشود، خطای پزشکی محسوب می‌گردد (۳۲). یکی از ارکان مسئولیت کیفری و تحقق مسئولیت پزشک، ورود ضرر و آسیب به بیمار یا حصول نتیجه مجرمانه است. تا وقتی که اعمال پزشکی منجر به آسیب‌رساندن و ورود

ضرر و زیان و لطمه به روح، جسم و جان بیمار نشده باشد، پزشک یا کادر پزشکی به عنوان مقصر قابل تعقیب نخواهند بود. اصولاً در مواردی که صاحبان حرف پزشکی به واسطه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و... سبب وارد کردن صدمه جسمی یا بدنی یا نقص عضو به دیگری شوند، چون طبق مقررات قانون مجازات اسلامی چنین اعمالی شبه‌عمد محسوب می‌گردند، مجازاتی جز پرداخت دیه برای آنان در نظر گرفته نمی‌شود، هرچند که میزان قصور از درجه بسیار بالایی برخوردار باشد، همانند از بین رفتن بینایی و یا شنوایی بیمار حین عمل جراحی.

در نظام حقوقی ایران، صدمات جسمانی به صورت کلی به دودسته عمد و غیر عمد طبقه‌بندی می‌شوند و جنایات غیر عمد نیز به دو گروه کلی شبه‌عمد و خطای محض تقسیم می‌گردند. در نوشته‌های فقهی و حقوقی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای قتل ارائه شده که مشهورترین و مستندترین ملاک، همان قصد مرتکب می‌باشد (۳۴). شبه‌عمد جنایتی است که وقوع آن مقصود جانی نبوده است، هرچند فعل واقع شده بر مجنی‌علیه را قصد کرده باشد. غالب حقوق‌دانان اسلامی [انیز] ممیزه جنایات عمد از شبه‌عمد را ویژگی رکن روانی دانسته، ضابطه شبه‌عمد را عمد در فعل و خطای در نتیجه ذکر کرده‌اند (۳۵). با این حال، قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۲۹۱ با عدول از ضوابط مذکور، جنایت شبه‌عمدی را در سه حالت پیش‌بینی می‌کند و بر این اساس، می‌توان گفت که جنایت شبه‌عمدی جنایتی است که با وجود قصد ارتکاب رفتار مشمول تعریف جنایت عمدی نمی‌شود (مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و یا اینکه به علت جهل به موضوع و یا تقصیر مرتکب واقع می‌شود. در واقع شبه‌عمد حد فاصل عمد و خطا است و در مرز بین عمد و خطای محض در نوسان است. در بند «ب» ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به پیروی از نظر مشهور فقها، جنایت واقع شده به وسیله پزشک از مصادیق شبه‌عمد محسوب شده بود که به علت اشاره به اقدام متعارف پزشک (یعنی عدم تقصیر) عاری از ابهام نبود، اما قانون مجازات

در جرائم ناشی از تخلفات رانندگی، اعم از اینکه منتهی به قتل شود یا منجر به آسیب اعضا یا منافع گردد، به موجب ماده‌های ۷۱۴ الی ۷۱۹ قانون تعزیرات، حسب مورد حبس یا جزای نقدی تعیین می‌گردد.

لازم به ذکر است که با گذشت مجنی‌علیه یا ولی دم او، دیه، ساقط می‌گردد، اما مجازات تعزیری به قوت خود باقی مانده و تنها در صورتی با گذشت شاکی ساقط می‌شود که جرم مذکور در زمره جرائم قابل گذشت باشد. در ماده ۱۰۴ ق.م.ا مواد مربوط به جرائم قابل گذشت احصا شده‌اند که در آن ماده ۶۱۶ دیده نمی‌شود. بنابراین جرم موضوع ماده مذکور در دسته جرائم غیر قابل گذشت قرار می‌گیرد و گذشت شاکی تأثیری در تعقیب و مجازات مرتکب ندارد، هرچند که در برخی شرایط می‌تواند در تخفیف یا تبدیل مجازات تأثیرگذار باشد. در کل از جمله جرائم مهمی که در هر جامعه‌ای و از جمله ایران اتفاق می‌افتد جرائم پزشکی می‌باشد، یعنی فعل و ترک فعل‌هایی که از سوی پزشکان انجام گیرد. پزشک در راستای انجام وظایف حرفه‌ای خود ممکن است مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که مغایر با شؤونات حرفه پزشکی و ناقض حقوق کیفری و انتظامی باشد. در برخی جرائم، پزشک علاوه بر دیه به مجازات تعزیری نیز محکوم می‌شود. جنایت عمدی بر چنین، از جمله این موارد است که در صورت ارتکاب، علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود.

نتیجه‌گیری

رفتار غیر عمدی در مقایسه با رفتار عمدی در فرض ضرورت کیفرگذاری مقتضی پاسخ و واکنش متفاوتی است. قانونگذار در مقام کیفرگذاری یا وضع کیفر، باید ماهیت رفتار و سطح مورد توقع از پاسخ در قبال آن را در نظر گیرد؛ به دیگر سخن، تعمیم طیف مجازات‌های مربوط به جرائم عمدی به جرائم غیر عمدی، یعنی بهره‌گیری از مجازات‌هایی همچون حبس، شلاق و جزای نقدی بدون توجه به تفاوت‌های مبنایی جرائم یادشده و اقتضائات مربوط، فاقد منطق حقوقی است. کیفرگذاری قانونی و کیفردهی از سوی مقام قضایی در حوزه جرائم غیر

اسلامی ۱۳۹۲ معیارهای روشن‌تری برای تعریف جنایات شبه‌عمدی ارائه کرده است که لاجرم حوادث پزشکی نیز شامل این معیارها می‌شوند. طبق ماده ۲۹۱ جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود:

۱- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.
۲- هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد، مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی‌علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

۳- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب، واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی، نباشد. با توجه به بند «پ» جنایات ناشی از تقصیر، به شرط عدم شمول تعریف جنایت عمدی، شبه‌عمد محسوب می‌شوند. بی‌گمان، حوادث جانی ناشی از قصور یا تقصیر پزشکی در این دسته قرار می‌گیرند.

مجازات جنایات ناشی از تقصیر، آسان که در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات تصریح شده، دیه و گاه تعزیر (حبس) است که در ادامه بررسی می‌گردد. طبق ماده ۱۷ ق.م.ا دیه اعم از مقدار و غیر مقدور مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود. در ماده‌های ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا تعریف مبسوط‌تری از دیه مقدار و دیه غیر مقدار (ارش) آمده است. بر طبق ماده ۵۵۵ ق.م.ا هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه» یا در محدوده حرم مکه واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. جنایت شبه‌عمد می‌تواند هم شامل جنایات بر نفس (قتل) باشد و هم شامل جنایات بر اعضا و منافع؛ دیه جنایت در هر یک از حالات و سطوح مذکور مستقر می‌گردد، ولی تنها در قتل ناشی از تقصیر حبس تعزیری به مدت یک تا سه سال به موجب ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات تعیین و اعمال می‌شود. البته

پی‌نوشت

۱- مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ و ماده ۷۲۳ ق.م.ا. در قانون تشدید مجازات رانندگان دارند. این قانون که در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۲۸ به وسیله کمیسیون قوانین دادگستری به تصویب رسید، دربردارنده این قوانین و پاره‌ای از موادی بود که در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب سال ۱۳۸۴ موجود است، هرچند ۳ ماده از این قانون بعداً اصلاح شدند، اما این قانون به صراحت نسخ نشده است، ولی چون در سال ۱۳۲۸ تصویب شده است، مجازات‌های مقرر در آن امروزه ارزش مالی ندارند. علاوه بر این، با توجه به قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ و آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب سال ۱۳۸۴ قانون تشدید مجازات رانندگان دیگر کارایی خود را از دست داده است.

۲- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره: ۷/۷۸۷ - ۱۳۶۴/۳/۲ در صورتی که قتل غیر عمد در نتیجه رانندگی بدون پروانه باشد، حسب مواد ۱۴۹ و ۱۵۳ (قانون مجازات اسلامی تعزیرات متهم باید به بیش از نصف حداکثر مجازات مقرر (یعنی بیش از یک سال حبس) محکوم گردد و در صورت مطالبه دیه، علاوه بر مجازات حبس، حکم به پرداخت دیه صادر شود. در این فرض، نداشتن پروانه علت تشدید مجازات بوده و تعیین مجازات دیگر مورد ندارد، لیکن اگر متهم از جرم قتل یا جرح غیر عمد راث حاصل نماید و یا به علل قانونی دیگر، از جمله گذشت شاکی خصوصی قابل تعقیب جزایی نباشد، از جهت رانندگی بدون پروانه قابل تعقیب و مستحق مجازات است، به موجب ماده ۷۱۸ ق.م.ا.»: نظریه مشورتی دیگر اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۳۵۳۸ - ۱۳۷۸/۶/۲ نداشتن گواهینامه رسمی، علت تشدید مجازات بوده و تعیین مجازات دیگری برای آن مورد ندارد، ولی اگر متهم از جرائم قتل یا صدمه غیر عمدی تبرئه شود و قابل تعقیب نباشد، از جهت رانندگی بدون پروانه تبرئه شود و قابل تعقیب مجازات است.

عمدی منوط به رعایت قواعد و شرایط ویژه‌ای است که عمدتاً بر جبران خسارت مبنائی است، اما قانونگذار در برخی جرائم غیر عمدی علاوه بر دیه و جبران خسارت، مجازات حبس نیز به عنوان مجازات تعزیری تعیین کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که این اعمال شامل تمام مقرراتی می‌شود که برای حفظ نظم و منافع عمومی وضع می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد مجازات تعزیری مانند حبس در جرائم غیر عمدی در قوانینی است که عمدتاً جنبه حفظ نظم و منافع عمومی دارد. در واقع مصلحت عمومی و منفعت عمومی جامعه مهم‌ترین مبنای وضع مجازات تعزیری جرائم غیر عمدی، از جمله جرائم غیر عمدی پزشکی است که بر اساس قاعده «الْتَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» وضع می‌شود.

مشارکت نویسندگان

منصور شهسواری: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.
بهروز گلیپایگانی: ارائه ایده و موضوع، معرفی منابع.
امیرمحمد صدیقیان: ویرایش مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Gorji A-GH. Legal Articles. 3rd ed. Tehran: University of Tehran; 1993. Vol.1. [Persian]
2. Makarem Shirazi N. The study of the jurisprudence of Hama. 1st ed. Qom: The School of Imam Ali ibn Abi Talib (AS); 2001. [Arabic]
3. Zajaji HR, Malmir M. Study of prescribed penalties in Iranian jurisprudence and criminal law. Quarterly Journal of Criminal Law Research. 2019; 7(27): 131-163. [Persian]
4. Encyclopedia of Public Punishment. Tehran: Department of Law and Political Science; 2013. [Persian]
5. Nouri H. Mustadrak al-Wasa'il. Beirut: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage; 1987. Vol.18. [Arabic]
6. Ameli M. Wasa'il al-Shi'ah to the study of Sharia. Research by al-Rabbani al-Shirazi AR. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi; 1988. Vol.18. [Arabic]
7. Mofid M. Al-Muqna. Qom: Teachers Association Publications; 1989. [Arabic]
8. Ibn Zohra H. Ghaniyeh al-Nizwa (Al-Jawama al-Fiqhiyah). Qom: Institute of Imam al-Sadiq (a.s.); 1983. [Arabic]
9. Tusi Abu Jaafar Mohammad bin Hasan. Al-Mabsut fi al-Fiqh al-Imamiyah. Tehran: Al-Muktabah al-Mortazawiyah; 1932. Vol.8. [Arabic]
10. Tusi Abu Jaafar Mohammad bin Hasan. Al-Khalaf fi al-Ahkam. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1995. Vol.2. [Arabic]
11. Hali Y. Al-Jame 'al-Sharia. Qom: Sayyid al-Shuhada al-Alamiya Institute; 1984. [Arabic]
12. Najafi MH. Jawaher al-Kalam fi al-Sharh Sharia al-Islam. 6th ed. Tehran: Islamic Library; 1977. Vol.41. [Arabic]
13. Halabi T. Al-Kafi fi al-Fiqh. Isfahan: School of Imam Amir al-Mu'minin (AS); 1979. [Arabic]
14. Ibn Idris Hali M. Al-Sarair al-Hawi al-Tahrir al-Fatawi. Qom: Jamiat al-Modaresin Publications; 1990. Vol.3. [Arabic]
15. Najafi MH. Jawaher al-Kalam fi al-Sharh Sharia al-Islam. 6th ed. Tehran: Islamic Library; 2009. Vol.41. [Arabic]
16. Hali AMH. Various Shiites. Qom: Center for Islamic Studies and Studies; 1991. Vol.3. [Arabic]
17. Amid Zanjani AA. Rules of Jurisprudence of Criminal Law. 1st ed. Tehran: Samat Publications and Institute of Islamic Studies and Research; 2007. Vol.2. [Persian]
18. Al-Fakhouri H, Al-Jarr KH. History of Philosophy in the Islamic World. Translated by Ayati AM. Tehran: Book of Time; 1979. Vol.1. [Arabic]
19. Motahari M. Islam and the requirements of time, 17th ed. Tehran: Sadra Publishing House; 2013. Vol.2. [Persian]
20. Odeh A-GH. Islamic criminal law with the comments of the late Seyyed Ismail Sadr. Translated by Ghafouri A. 2nd ed. Mashhad: Astan Quds Razavi; 2000. Vol.1. [Arabic]
21. Feyz AR. Comparison and Application in Criminal Law of Islam. 7th ed. Tehran: Publication of the Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1990. [Persian]
22. Tusi Abu Jaafar Mohammad bin Hasan. Al-Khalaf. Qom: Islamic Publishing Institute; 1995. Vol.1 [Arabic]
23. Feyz AR. Application in Islamic General Criminal Law. 5th ed. Tehran: Amir Kabir Publications; 2000. [Persian]
24. Morvarid AA. The Series of Jurisprudential Yanabi. Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence, Islamic Darul; 1989. [Arabic]
25. Makarem Shirazi N, Et al. Sample Interpretation. Tehran: Islamic Library; 1995. Vol.12. [Persian]
26. Golduzian I. Exclusive Criminal Law. 4th ed. Tehran: Majid Publications; 2006. Vol.1. [Persian]
27. Agriculture A. Criminal Procedure Code. 3rd ed. Tehran: Phoenix Publishing; 1998. Vol.2. [Persian]
28. Judicial M. Forensic Medicine. 4th ed. Tehran: Mizan Publications; 2001. [Persian]
29. Pad A. Exclusive criminal law. 3rd ed. Tehran: Bastan Publishing; 2000. [Persian]
30. Goodarzi F, Kiani M. Principles of Forensic Medicine and Responsibilities. 3rd ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2003. [Persian]
31. Sadeghi MH. Crimes against Persons. 8th ed. Tehran: Mizan Publications; 2005. [Persian]
32. Elahi Manesh MR. Criminal Law and Medical Violations. 5th ed. Tehran: Majd Publications; 2014. [Persian]
33. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. 7th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 1995. [Persian]

34. Agriculture A. Description of the Islamic Penal Code, Intentional Crimes against Physical Integrity, Qisas. 3rd ed. Tehran: Phoenix; 2005. [Persian]
35. Mir Mohammad Sadeghi H. A Comparative Study of Abstinence as a Material Element of Crimes against Individuals. Journal of Legal Research. 2006; (43): 133-162. [Persian]